

# خصوصی سازی سرخابی ها با اسم غول های اقتصادی

صفحه ۱۶



۱۲

## عصر قدیم

مسابقات سرگرمی تلویزیون  
با چه ایده هایی طراحی و اجرا می شوند؟

روزنامه خبری، تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران  
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه  
۵۰۰۰ تومان

فصل چهارم پیاپی و فصل دوم  
روایت سال های جنگ

شماره مسلسل ۴۷۷۲  
شماره ۲۸ از ۲۰۲  
۵۰ جلدی هفتگی ۱۴۴۵  
۱۹۰ جلدی ۲۰۲۳  
شماره ۲۰۲۵

www.fdn.ir | Tue | 19 Dec 2023 | vol.15 | No. 4035 | 16 Pages



۲ صفحه

ماجرای حمله به زیرساخت های فناوری سوخت چیست؟

# باگ بنزینی

معاون رئیس جمهور در حوزه زنان و خانواده در گفت و گو با «فرهیکتگان»:

## با ادغام بودجه زنان مخالفیم

۷

ناو آمریکایی وارد منطقه عدن شد

## اهداف موشک های یمنی نزدیک می شوند

۸

استعفاي رئیس سازمان سنجش بحث روح و شکل قانون درباره تقلب در کنکور دوباره مطرح کرد

## کنکور در چالش عدالت

۶

# امنیت مرزی؛ پاشنه آشیل روابط تهران و اسلام آباد

و همکاری جدایی طلبان بلوچ پاکستان با داعش و دیگر گروه های افراط گرای مذهبی گویای همین امر است. همه این مسائل موجب شده بر پیچیدگی اوضاع امنیتی در مرزهای ایران و پاکستان افزوده شده و به همکاری های منسجم میان دو کشور احساس نیاز بیشتری شود. نقش متغیر افغانستان در مسائل امنیت مرزی دو کشور؛ شکی نیست که افغانستان یکی از مؤثرترین مولفه های سیاسی و امنیتی در روابط تهران و اسلام آباد طی چند دهه اخیر بوده است. رقابت سیاسی ایران و پاکستان در افغانستان در حدی مهم و گسترده بوده که حتی در مقاطعی آنها را به جنگ نیابتی یا یکدیگر کشانده است. دوران اول حکمرانی طالبان در افغانستان را می توان نقطه اوج منازعات سیاسی و امنیتی تهران و اسلام آباد دانست، چنان که تصرف مرز شریف و شهادت دیپلمات های ایرانی به دست طالبان، یکی از تاریک ترین ادوار روابط ایران و پاکستان را رقم زد. اما در دور دوم حکمرانی طالبان ظاهر شرایط کاملا متفاوتی را شاهد هستیم. برخلاف جمهوری اسلامی که به نظر می رسد به شکل حادی از جانب طالبان رویه ورو نیست، این بار پاکستانی ها هستند که نسبت به عملکرد حکومت طالبان و بازتاب های امنیتی آن بر کشورشان نگران و شاکي هستند. اسلام آباد بر این موضوع تاکید دارد که از زمان روی کار آمدن مجدد طالبان در افغانستان، اوضاع امنیتی در این کشور هم به شدت تحت تاثیر قرار گرفته است. افزایش تحركات تحریک طالبان پاکستان و دیگر گروه های افراطی مانند داعش خراسان و همراهی آنها با جدایی طلبان بلوچ، اوضاع امنیتی اسفناوری را برای نبردهای امنیتی و ارتش پاکستان رقم زده است. اکنون یک پرسش اساسی مطرح می شود: آیا میان افزایش ناامنی های مرزی ایران و پاکستان و استقرار مجدد نظام طالبان در افغانستان ارتباطی وجود دارد؟ اگر چه شواهد صریحی در مورد ارتباط و همکاری حاکمیت طالبان با گروه های تروریستی بلوچستان مانند جیش العدل وجود ندارد، اما شکی نیست که ماهیت تشکیل یک امارت اسلامی در افغانستان باعث تقویت تفکر ایجاد چنین امری از سوی گروه های افراط گرای مذهبی خواهد شد. علاوه بر این دور از انتظار نخواهد بود که سرریز ناامنی فراینده در پاکستان به مرزهای این کشور با جمهوری اسلامی کشیده شده و در واقع سرازیر همین ناامنی هایی تلقی شود که در قالب رخدادهای اخیر شاهد آن بوده ایم.

### در جستجوی راهکارهای مشترک

واقع رخداد تروریستی راسک با توجه به وسعت و شدت آن می تواند تاثیرات مخربی بر روابط تهران و اسلام آباد بر جای بگذارد. هنوز فراموش نکرده ایم که اقدام تروریستی سال ۲۰۱۰ و شهادت سردار شوشتری و تعدادی از همراهان و مردم محلی، در آن مقطع چه تاثیرات مخربی بر روابط جمهوری اسلامی و پاکستان بر جای گذاشت. رویکرد زیرکانه اسلام آباد و همکاری این کشور در تقابل با گروه های تروریستی و به خصوص دستگیری عبدالملک ریگی (سفیر پاکستان در تهران بعدا مدعی شد این دستگیری در سایه همکاری افراطی پاکستان میسر شده است)، تا حد زیادی از بار روانی و تبعات این بحران کاست. در رابطه با اقدام تروریستی اخیر در راسک هم به نظر می رسد مسئولان جمهوری اسلامی رویکرد خردمندانه و مدارا جوانانه ای را با اسلام آباد در پیش گرفته اند. در این راستا در هیچ یک از بیانیه های منتشر شده از سوی نهادها و مقامات، خطاب تندى به پاکستان نشده و این کشور مورد عتاب و عقاب قرار نگرفته و تنها بر مسئولیت پذیری هر چه بیشتر این کشور تاکید شده است. به طور قطع ضعف کنونی دولت پاکستان، شرایط در حال گذار و مهیا شدن این کشور برای برگزاری انتخابات سراسری در اتخاذ چنین رویکردی نقش بسزایی داشته است. اما این رویه تهران به هیچ عنوان به معنای نادیده گرفتن مسئولیت دولت پاکستان در قبال چنین حوادثی نیست. اجرای دقیق توافقنامه امنیتی تفاهم شده میان دو کشور (۱۳۹۳) برای مقابله با فعالیت های تروریستی می تواند یکی از راهکارهای مهم پیش رو باشد. در این تفاهنامه جزئیات زیادی از روند همکاری دو کشور در مبارزه با تروریسم ذکر شده که اگر رعایت و پیگیری می شد، هیچ گاه رخدادهای مانند حملات تروریستی راسک اتفاق نمی افتاد. در حالی که فعالیت کارگروه مشترک امنیتی میان دو کشور همچنان ادامه داشته (دهمین نشست این کارگروه با حضور معاون وزیر امور ایران برگزار شد)، روند تبادل اطلاعات امنیتی هم در حال انجام است، باید کنکاش کرد که چه کوتاهی ای در اجرای این توافق انجام گرفته است.

اما در بحث افغانستان و تاثیر آن بر چالش های امنیتی اخیر در مرزهای ایران و پاکستان نکته بینی ها و ظرافت های زیادی وجود دارد. از زمان وقوع حادثه تروریستی راسک، تحلیل های متفاوت و متناقضی راضا شد بود. در یک سو برخی این رخداد را به بی میلیت عمده پاکستان، آن هم به دلیل ناراحتی این کشور از سطح روابط ایران و طالبان نسبت می دهند. اما در طیف مخالف به تاثیرات بی توجهی به تبعات حکومت طالبان بر منطقه و ایران اشاره کرده و حرکت تروریستی راسک را شهادی بر این مدعا تلقی می کنند. قضاوت در موردی هر یک از این تحلیل ها دشوار است، با این همه یک نکته مهم را نباید نادیده گرفت که در قضیه افغانستان، هر دو کشور ایران و پاکستان به همراهی و همکاری با یکدیگر نیاز دارند. منافع ایران و پاکستان در افغانستان هیچ گاه تا بدین حد به هم نزدیک نبوده است. نگاه قوم گرایانه افراط گرایانه مذهبی توسط هر دولتی در افغانستان، برای هر دو کشور ایران و پاکستان در حکم سمی سیاسی و اجتماعی است. بنابراین باور به تشکیل یک حکومت فراگیر واقعی، رویکرد مشترک هر دو کشور و مبتنی بر حفظ منافع آنها خواهد بود.

### میراحمد رضا مشرف پژوهشگر حوزه بین الملل

تیرماه امسال تهران در شرایطی میزبان ژنرال عاصم منیر، رئیس جدید ستاد ارتش پاکستان بود که در بستر نزدیکی روابط میان دو کشور، مقامات سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی از برنامه ای بزرگ برای درگیری در روابط دو جانبه صحبت به میان آوردند. تغییری که بر مبنای آن نگاه اقتصادی، به مرزهای دو کشور می توانست جایگزین نگاه امنیتی باشد که در طی چند دهه اخیر بر مرزها و حتی بر روابط میان دو کشور سایه افکنده بود. در سایه چنین تغییری برنامه های مرتبط با گسترش روابط اقتصادی دو کشور و از آن مهم تر توسعه و ارتقای وضعیت مناطق مرزی و غالباً محروم و طرف قابل اجرائی پیدا می کرد. اما واقع امنیتی چند ماه گذشته و به خصوص رخداد اخیر حمله به پاسگاه شهپر «راسک» و شهادت تعدادی از فرمانان جان برکف نیروی های مسلح نشان داد هنوز برای وقوع تحولات عمیق در روابط میان ایران و پاکستان و آنچه گذر از مرزهای امنیتی» به «اقتصادی» خوانده شده است، به زمان و کار زیادی نیاز داریم.

### عوامل تاثیرگذار بر مسائل امنیتی ایران و پاکستان

در حالی که روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلامی پاکستان طی چند دهه اخیر روندی تقریباً با ثبات و به دور از هر گونه تنش فراگیر و حاد را سپری کرده و البته از این ظرفیت برخوردار بوده که شرایط بسیار بهتری را نیز به لحاظ همکاری های اقتصادی تجربه کرده اند، موضوع امنیت مرزها و مناطق همسایه سایه سنگینی بر این روابط افکنده و آن را تحت الشعاع قرار داده است. در یک نگاه اجمالی شاید بتوان گفت که وضعیت امنیتی مرزها و مناطق مرزی دو کشور طی دهه های اخیر به چند عامل مهم وابستگی داشته است:

۱. وضعیت داخلی پاکستان: تجربه نشان داده که هر گاه پاکستان دچار بی ثباتی سیاسی و در واقع ضعف اقتدار دولت مرکزی شده است، اوضاع امنیتی در مرزهای این کشور نیز یاد در هم ریخته می شود. مواجه شده و تبعات آن دامنگیر کشورهای همسایه به ویژه جمهوری اسلامی شده است. در حال حاضر نیز شاهد بی ثباتی سیاسی دوام دار پاکستان در داخل هستیم که از هنگام یکبارگی عمران خان آغاز شده و تاکنون نیز ادامه یافته است. این بی ثباتی و رقابت ها و کشمکش های سیاسی از یک سو زمینه ضعف اقتدار دولت مرکزی در داخل فراهم می کند و از سوی دیگر موجب بی توجهی دولت به مشکلات و حوزه های فرعی همچون امنیت مرزها می شود. ناگفته نماند که نقش پررنگ ارتش و نظامیان پاکستان در این مناقشات سیاسی هم مزید بر علت شده و بر بی توجهی هادامن می زند. طبیعی است که در این شرایط کمتر می توان انتظار پاسخگویی و مسئولیت پذیری از جانب دولت پاکستان را داشت، کمالاتی که هر زمانی حمله تروریستی اخیر در راسک با استعفاي وزیر امور، کشور و دولت موقت پاکستان، که برخی شرکت در انتخابات سراسری را دلیل آن عنوان کرده اند، می تواند بر روند رسیدگی به این ماجرا و همچنین همکاری های احتمالی دو کشور برای مقابله با عوامل این حمله، تاثیرات منفی بر جای گذارد.

۲. مولفه های ایجاد ناامنی در مرزهای دو کشور؛ شرایط حاکم بر جغرافیای سیاسی مناطق مرزی میان ایران و پاکستان موجب شده اقدامات تروریستی و ناامنی کننده مرزی عمدتاً در دو بستر شکل گیرند: نخست بستر قومیت گرایانه و دوم افراط گرای مذهبی. در حوزه مقابله با قومیت گرای و حرکت های جدایی طلبانه، به نظر می رسد میان سیاست ها و رویکردهای تهران و اسلام آباد نزدیکی و هماهنگی عمیقی وجود داشته و هر دو طرف تلاش می کنند مانع از شکل گیری تحركات تروریستی بر پایه چنین مبانی فکری ای شوند. اما مورد افراط گرای دینی قضیه تا حد زیادی متفاوت است. رویکرد چند دهه ای سیاستمداران و حتی نظامیان پاکستان بومیانی تاکید بر هویت اسلامی این کشور و حمایت از گروه های مذهبی استوار بوده است. تقابل با همتا و یافتن عمق استراتژیک در میان مسلمانان منطقه در اتخاذ چنین رویکردی بسیار تاثیر گذار بوده است، اما در عین حال همین مساله موجب شده دولتمردان و نظامیان پاکستان در تقابل با بسیاری از تند روی های مذهبی در این کشور کوتاهی نشان داده و زمینه ساز منازعات مذهبی در این کشور و حتی گسترش آن به سایر کشورهای همسایه باشند. قدرت بانی گروه های تکفیری و افراط گرای مذهبی چون لشکر طیب، سپاه صحابه و لشکر جهنمی در چنین فضایی ممکن شده است. این گروه ها علاوه بر اینکه نفاق های مذهبی در داخل پاکستان را تشعله ور کردند، با پذیرش همکاری با افراط گرایان مذهبی در سراسر منطقه، زمینه ساز اقدامات علیه همسایگان این کشور نیز شده اند. حضور گروه هایی تروریستی و تکفیری ای چون انصارالله، جندالله و جیش العدل در پاکستان و اقدامات تروریستی آنها در استان سیستان و بلوچستان راتنها در همین قالب می توان توجیه کرد. اما نکته مهم تر این است که روند افراط گرای مذهبی در سال های اخیر در این مناطق نه تنها کاهش پیدا نکرده، بلکه تشدید نیز شده است. پررنگ تر شدن نقش ارتش در نظام سیاسی پاکستان، حضور گروه های مذهبی تندرو مانند جمعیت العلمای اسلام در ساختار دولت این کشور و پیروزی طالبان در افغانستان احتمالاً در این زمینه تاثیر گذار بوده است. در عین حال این راه نم باید نادیده گرفت که در سال های اخیر شاهد یک روند تلفیقی میان قومیت گرای و افراط گرای مذهبی بوده ایم. اوج گیری قدرت تحریک طالبان پاکستان با ماهیت قومی- مذهبی

### حجت بین آبادی پژوهشگر حوزه مالی و بانکی

موضوع مسکن و هزینه های مربوط به خرید یا اجاره آن برای دهک های درآمدی متوسط و پایین جامعه در سال های گذشته به دلایل مختلفی مثل تورم، سیاست گذاری های غلط و تحریم ها کاهش تامین مالی خارجی) به تدریج تبدیل به یک معضل پیچیده و حتی دست نیافتنی شده است. به طوری که در حال حاضر دارای سهم ۵۰ الی ۷۰ درصدی در سبد هزینه خانوارها است. بدین جهت در دو سال گذشته دولت و حاکمیت با طرح نهضت ملی مسکن به دنبال تامین این دارایی مهم و راهبردی برای اقلتار کم درآمدتر جامعه بوده اند.

به اذعان کارشناسان و مدیران ارشد حوزه مسکن، مهم ترین چالش پیش رو طرح، بحث تامین مالی و تجهیز منابع جهت نهایی شدن آن است. در این شرایط با توجه به بانک محروم بودن نظام مالی کشور و سهم اندک بازار سرمایه در هدایت نقدینگی به سمت بخش مسکن، نیاز به ایجاد مکانیسم های عملیاتی و عقلانی از طریق نظام بانکی برای تامین مالی مطلوب این مگا پروژه بیش از گذشته احساس می شد. بر این اساس طبق بند (الف) تبصره (۱۸) قانون بودجه سال ۱۴۰۰ و ماده (۴) قانون جهش تولید مسکن، سالانه باید حداقل بیست درصد از تسهیلات پرداختی بانک ها و موسسات اعتباری غیربانکی با نرخ سود مصوب شورای پول و اعتبار به بخش مسکن تخصیص پیدا کند. متاسفانه از میزان تعهد ۸۴۵ هزار میلیارد تومانی نظام بانکی طی باز زمانی شهریور ۱۴۰۰ تا شهریور ۱۴۰۲ برای پرداخت تسهیلات جهش تولید مسکن، تا پایان آبان ماه سال جاری صرفاً نزدیک به ۱۴۰

همت پرداخت شده است؛ یعنی اگر بخواهیم واقع بینانه نگاه کنیم تسهیلات موضوع قوانین مذکور تاکنون تقریباً معادل تکالیف بانک ها تا پایان دی ماه ۱۴۰۰ عملیاتی شده اند. با کمی بررسی بیشتر آمارهای منتشر شده بانک مرکزی متوجه واقعیت دروناکتاری می شویم. در این مدت از ۷۴ هزار میلیارد تومان تسهیلات تخصیص یافته به ساخت مسکن شهری (تسهیلات مشارکت نهضت ملی مسکن + تسهیلات ساخت خود مالکی)، پرداخت ۸۱ درصد آن معادل ۶۰ همت فقط توسط بانک مسکن به صورت نهایی انجام پذیرفته است. این در حالی است که ۷ بانک یک ریال هم برای این بخش پرداخت نکرده اند و ۱۰ بانک دیگر هم زیر ۳۰ میلیارد تومان اختصاص داده اند. در چنین شرایطی اراده جدی و قابل تقدیر وزارت راه و شهرسازی به عنوان متولی اصلی اجرائی طرح نهضت ملی مسکن، به طور قابل ملاحظه ای خنثی می شود. در کنار این مسائل، فشار بیش از حدی که روی منابع بانک مسکن می آید اهمیت خاصی برای نظام بانکی دارد. طبق گزارش عملکرد مربوط به شرکت های دولتی، به دلیل کاهش مقدار نقدینگی مازاد بر نیاز بانک مسکن، خالص سپرده گذاری و سپرده پذیری این بانک نزد بانک های دیگر منفی شده است. آسیب شناسی دقیق این کج کارکردی نیازمند واکاوی منافع و عملکرد دولت، بانک ها، متقاضیان و شهرداری ها به عنوان بازیگران و ذی نفعان اصلی طرح نهضت ملی مسکن دارد.

### متقاضیان (مردم)

برای متقاضیانی که در ذیل دهک های درآمدی متوسط و ضعیفتر جامعه قرار می گیرند، با فرض فراهم کردن آورده اولیه ۵۰۰ تا ۶۰۰ میلیون تومانی، به دلیل شرایط سخت و ناپایدار اقتصادی بعضاً توان پرداخت اقساط ماهیانه ۷ میلیونی تسهیلات نهضت ملی مسکن وجود ندارد. لازم به ذکر است در سال اول مبلغ اقساط ماهیانه از ۷۳ میلیون تومان شروع می شود و در سال بیستم به ۱۲۹ میلیون تومان می رسد. البته اگر متقاضیان در سال های ابتدایی بازپرداخت اقساط تسهیلات مذکور، بتوانند به اصطلاح فشار مالی ناشی از آن را تحمل کنند و دچار تنگناهای بغرنج مالی نشوند، با توجه به افزایش مداوم سطح عمومی قیمت ها (تورم) و رشد قابل توجه ارزش این مسکن ها که ناشی از پیشرفت منطقه ای، سرمایه گذاری در زیرساخت ها و انتقال جمعیت به آنجا است، حداقل در یک افق زمانی ۱۰ ساله سود مناسبی عایدشان می شود.

ادامه در صفحه ۳

انا لله و انا الیه راجعون  
جناب آقای سعادت جمال لوبانی  
درگذشت همسر گرامی شان را تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند متعال برای آن مرحومه رحمت و اسعه الهی و برای جنابعالی صبر و اجر مسالت می نمایم.  
روزنامه فرهیختگان

صدای نخبگان، نگاه جوانان  
WWW.FDN.IR  
روزنامه فرهیختگان  
farhikhteganonline  
FARHIKHTEGAN